



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## بررسی واژه‌های فرهنگستان اول

Persianorigins است .

این کتاب مجموعه مقالاتی را دربرمی‌گیرد که برای نخستین بار به معرفی منابع فارسی قرون دوم و سوم هجری می‌پردازد. این مقالات در هم‌اندیشی سال گذشته در ایتالیا ارائه شده است .

گروه واژه‌گزینی در مهرماه ، طی دو جلسه ، میزبان دکتر لودویک پاول ، ایران‌شناس و استاد دانشگاه هامبورگ بود . در این دیدار ، که به پیشنهاد دکتر حسن رضایی باغ‌بیدی انجام شد ، ایشان ابتدا روز شنبه ۱۸ مهر ، برای آشنایی با کار گروه ، در جلسه‌ای که با حضور دکتر رضایی

دکتر لودویک پاول (Iodwig Paul) ایران‌شناس و متخصص زبان‌های ایرانی ، استاد سابق دانشگاه گوتینگن و استاد دانشگاه هامبورگ آلمان است و در این دانشگاه درس زبان‌های ایرانی و تاریخ ایران (دوره‌های قبل از اسلام و دوره اسلامی) را تدریس می‌کند . او پایان‌نامه دکتری خود را در زمینه گویش زازاکی (از گویش‌های ایرانی رایج در میان کردهای ترکیه) تألیف کرده و نویسنده مقالات متعددی در زمینه گویش‌های ایرانی و دستور زبان فارسی دری است . یکی از آثار ارزشمندی که به تازگی زیر نظر وی گردآوری و تدوین شده کتاب



شورا آشنا شد. وی، سپس سخنرانی خود را با عنوان «بررسی واژه‌های فرهنگستان اول» بدین شرح ایراد کرد:

برای من مایه افتخار است که فرصتی به دست آمده تا در مورد فرهنگستان ایران (فرهنگستان اول) و کار گروه واژه‌گزینی آن صحبت کنم. هدف من پاسخگویی به این پرسش است که فرهنگستان اول تا چه حد در کار واژه‌گزینی موفق بود و اصولاً می‌توان آن را موفق دانست یا خیر. در این مقاله، من از دید ناظری خارجی به مسئله نگاه می‌کنم

و معاون و مشاوران و پژوهشگران گروه برگزار شد، شرکت کرد. در آغاز، خانم پرویزی، معاون گروه، به معرفی فعالیت‌ها و شیوه کار گروه واژه‌گزینی پرداخت. سپس دکتر پاول درباره پژوهش‌های خود در زمینه ایران‌شناسی و درباره مسئله ورود واژه‌های انگلیسی در زبان آلمانی و چگونگی برخورد آلمانی زبان‌ها با این مسئله، توضیحاتی داد و پس از آن، پاسخگوی پرسش‌هایی در این زمینه بود. دکتر پاول، روز دوشنبه بیستم مهر نیز با حضور در جلسه شورای واژه‌گزینی، از نزدیک با شیوه کار شورا و نحوه بررسی معادل‌های پیشنهادی گروه‌های تخصصی در

و قصد ارائه راه حل خاصی را ندارم. بدیهی است که واژه‌گزینی جنبه‌های زبانی و غیر زبانی (سیاسی، اجتماعی و...) دارد و تلاش من این است که از چند جنبه این مقوله را بررسی کنم. در واقع مسئله واژه‌گزینی اهمیتی جهانی دارد. می‌شود گفت که بیشتر کشورهای دنیا امروزه با موج عظیمی از لغت‌ها و اصطلاحات علمی و فناوری مدرن روبه‌رو هستند که بیشتر آنها انگلیسی هستند. به علاوه، زبان‌های محاوره‌ای همه کشورها نیز هر چه بیشتر تحت تأثیر زبان جهانی انگلیسی قرار می‌گیرد.

در آلمان هم در مورد ورود لغت‌های خارجی به آلمانی بحث زیادی (یا به عبارتی دیگر گفت‌مان) می‌شود. با آنکه وضعیت آلمان یا ایران فرق دارد، باز هم شباهت‌هایی چند بین آنهاست. من این مبحث را، هم به عنوان ایران‌شناس و هم به عنوان کسی که این مسئله را در زبان مادری‌اش به دقت دنبال می‌کند، مطرح می‌کنم.

همان طور که می‌دانید در دوره قاجار، فناوری‌ها و نظریه‌های جدیدی که بیشترشان از اروپا آمده بودند، وارد جامعه ایرانی و زبان فارسی شد. در سال ۱۳۳۰ دارالفنون تأسیس شد که در کتاب‌های درسی این مرکز، لغت‌ها و اصطلاحات خارجی زیادی (به خصوص در حوزه‌های فنی، نظامی و پزشکی) به فارسی معرفی شد. پس از آن، به مرور در جامعه ایرانی نوعی آگاهی اجتماعی و سیاسی به وجود آمد که با اصطلاحات خارجی الاصل خودش را بیان می‌کرد. این تحولات در زمان مشروطیت (یعنی نزدیک به ۱۰۰ سال پیش) به اوج خود رسید.

پس از دوره قاجار و دو سال بعد از به قدرت رسیدن رضاشاه، فرهنگستان ایران تأسیس شد. رضاشاه بعد از بازگشت از دیداری رسمی از ترکیه (در سال ۱۳۱۳) و بازدید از فرهنگستان ترکیه، تصمیم گرفت در ایران فرهنگستانی مشابه فرهنگستان ترکیه تأسیس کند. این فرهنگستان در سال ۱۳۱۴ شروع به کار کرد.

یکی از مهم‌ترین اهداف فرهنگستان ایران از آغاز، پاکسازی زبان فارسی از کلمه‌های خارجی الاصل و واژه‌گزینی بود. هدف نهایی از تأسیس فرهنگستان هدفی ایدئولوژیک بود، یعنی اینکه به ملت ایران هویتی فرهنگی (و کمتر مذهبی) مانند ملت‌های اروپایی داده شود تا ایران بتواند هر چه زودتر به کشور و جامعه‌ای مدرن و پیشرفته تبدیل شود.

در اینجا تنها به فعالیت‌های واژه‌گزینی در دوره اول کار فرهنگستان می‌پردازم و نیز به تأثیری که بر فارسی تا امروز گذاشته است. فکر می‌کنم اکنون بعد از ۷۰ سال بهتر می‌توان تحلیل کرد که این فرهنگستان چه تأثیری داشته است. پایه بررسی، کتاب **واژه‌های نو** است که فرهنگستان بین سال‌های ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۶ سالی یک بار تعدادی از واژه‌های جدید پیشنهادی را در آن درج و منتشر می‌کرد. از حدود ۱۰۰۰ لغتی که فرهنگستان در آن سال‌ها پیشنهاد کرد، ۱۰۰ کلمه را انتخاب کردم تا با آنها بتوانم موفقیت فرهنگستان را تا امروز بررسی کنم

و سعی کردم نه فقط لغت‌های علمی-فنی، بلکه لغت‌هایی را که در زبان روزمره نیز به کار می‌روند، انتخاب کنم. با بررسی این کلمه‌ها به سه جنبه با اهمیت آنها پی بردم: شکل کلمه‌ها، ریشه‌شناسی آنها و موفقیتی که مطابق اهداف فرهنگستان به دست آمد.

**شکل:** واژه‌های پیشنهاد شده فرهنگستان به صورت‌های ساده یا مرکب و پیشونددار یا پسونددار وجود دارند. این جنبه خیلی پیچیده نیست و به همین خاطر، برای من اهمیت کمتری دارد.

**ریشه‌شناسی:** این مسئله مهم‌تر است. از این رو، واژه‌ها را در چهار گروه ریشه‌شناختی تقسیم کردم:

۱. کلمه‌های پیشنهاد شده‌ای که از زبان عربی یا از زبانی اروپایی آمده‌اند. این تعداد محدود (مثل صندوق یا بمب) در زبان فارسی به اصطلاح ریشه گرفته‌اند یا کاملاً بین‌المللی هستند و مورد قبول واقع شده‌اند و هیچ احساس غریب بودن برای فارسی‌زبان‌ها ایجاد نمی‌کنند.

۲. کلمه‌های ایرانی الاصلی که در متون فارسی قدیم به کار رفته، ولی از رواج افتاده بودند و فرهنگستان آنها را دوباره زنده کرد (مثل کالا به جای مال التجاره، متاع) و به بعضی از این کلمه‌ها، معنایی کاملاً جدید داد (مثل اژدر در برابر torpille؛ این کلمه در متون کهن به معنای اژدهاست).

۳. واژه‌های مرکبی که از یک اصطلاح خارجی ترجمه شده، ولی عناصر و ساختارشان کاملاً منطقی و معلوم است (مثلاً زیردریایی به جای تحت‌البحری، چاپخانه به جای مطبعه).

۴. واژه‌های نوساخته در مفهوم محدودتری که می‌شود گفت واقعاً اختراع شده‌اند (مثل بیمه).

مشکلی که درباره ریشه‌شناسی این لغت‌ها مطرح می‌شود این است که گاهی آسان نیست بگوییم یک لغت از کجا می‌آید. خود کتاب **واژه‌های نو** نیز در بیشتر موارد، اطلاعاتی درباره این مسئله نمی‌دهد. اگر واژه‌ای در واژه‌نامه‌های مختلف فارسی وجود نداشته باشد، چنین برمی‌آید که (احتمالاً) آن کلمه در زبان هم وجود نداشته است. ولی عکس آن مصداق ندارد. فرهنگ‌ها پر از کلمه‌هایی هستند که یا در زمان تألیف فرهنگ در زبان رایج نبوده‌اند یا هیچ وقت در زبان وجود نداشته‌اند. این مشکل را با کلمه «بیمارستان» نشان می‌دهم. در کتاب

**واژه‌های نو** این کلمه فقط در اصطلاح «بیمارستان شهر» (به جای مریضخانه بلدی) آمده است. به نظر می‌رسد که کلمه ساده «بیمارستان» خودش قبل از فرهنگستان در زبان فارسی وجود داشته است. ولی این کلمه در **شاهنامه**، در **برهان قاطع** و نیز **فرهنگ فارسی-انگلیسی اشتینگاس** نیامده است. در **فرهنگ اشتینگاس** فقط لغت «بیمارستان» ذکر شده که دو معنی دارد: مثل کسی که مریض است؛ بیمارستان.

بنابراین فکر نمی‌کنم دریافتن آنکه لغت ساده بیمارستان قبل از سال ۱۳۱۴ در زبان فارسی وجود داشته یا خیر کار دشواری باشد. ولی بدین ترتیب مشخص می‌شود که بعضی از واژه‌های فرهنگستان

مشکلات نامنتظری ایجاد می کنند.

**موفقیت:** برای بررسی این جنبه ، واژه های پیشنهادی را به سه گروه تقسیم کردیم:

۱. واژه های کاملاً یا نزدیک به کاملاً ناموفق: جزوه دان (کارتن) ، پایندان (کفیل ، ضامن) ، تماشاخانه (تئاتر)

۲. واژه های کم و بیش موفق: دارو (دوا) ، درودگر (نجار) ، پرورش (تربیت) ، گرمابه (حمام)؛ واژه های موفق تر: درآمد (عایدات) ، ماما (قابه) ، نانوا (خباز) ، سخنرانی (کنفرانس) که این واژه آخر هنوز هم به کار می رود ، ولی نه به معنی سخنرانی .

تغییراتی که کار فرهنگستان در زبان فارسی وارد می کند ، مثل هر تغییرات زبانی دیگر ، به تدریج و قدم به قدم صورت می گیرد .

۳. واژه نباید به تنهایی بررسی شود . ترکیباتی که با آن ساخته می شوند بسیار مهم هستند . به عنوان مثال: «دارو» موفقیت نسبتاً محدودی داشت ، در حالی که به نظر می رسد ترکیب «داروخانه» بیشتر موفق بود .

۴. بسیاری از واژه های فرهنگستان اول کم و بیش در فارسی امروز وجود دارند ، ولی در عین حال لغت هایی نیز در کنار آنها وجود دارد که قرار بود از بین بروند . معمولاً واژه پیشنهادی فرهنگستان در سطح زبانی بالاتر یا رسمی تری قرار دارد . مثلاً کلمه «گرمابه» بر تابلوهای حمام های عمومی دیده می شود ، اما در محاوره از لغت «حمام» استفاده می شود .

۵. زمینه معنایی واژه بسیار مهم است . به عنوان مثال ، لغت هایی برای سمت های سیاسی یا مقامات نظامی وضع شده که نسبتاً راحت می توانند جای کلمه دیگری را بگیرند . چون سیاستمداران می توانند برای کاربرد این لغات امر بدهند . مثلاً «رئیس الوزرا» طی بخشنامه ای به «نخست وزیر» تبدیل می شود و لازم است در تمام نامه ها و اخبار همین لفظ به کار رود .

نتیجه تحقیق به طور اجمال این است که:

بررسی واژه های پیشنهادی فرهنگستان اول نشان می دهد موفقیت این کلمه ها به تدریج صورت گرفته و از زبان رسمی و نوشتاری آغاز شده است . به نظر می آید واژه ها می توانند در چند زمینه معنایی خاص ، راحت تر از زمینه های دیگر ، موفق شوند . علاوه بر این ، در مقایسه با جنبه ها و عوامل دیگر (شکل و ریشه شناسی) ، این عوامل غیر زبانی اهمیت بیشتری دارند؛ یعنی وقتی واژه پیشنهادی فرهنگستان یک بار در زبان فارسی به کار رفت ، دیگر مهم نیست از کجا آمده یا از چه عناصری ساخته شده است . واژه طبق آن عوامل غیر زبانی راه خود را می رود .

امیدوارم توانسته باشم موضوع پیچیده و جالب توجه عوامل موفقیت واژه های فرهنگستان ایران را تا حدی بیان کنم . در بررسی موفقیت فرهنگستان ، نباید تنها واژه های رایج شده آن را برشمرد ، بلکه باید به تک تک واژه ها و نیز عوامل غیر زبانی توجه کرد . حتی مفهوم «موفقیت» نیز باید روشن شود .

شاید موفقیت بزرگ فرهنگستان ایران این بود که آغازگر تحولاتی شد که هفتاد سال است کمک می کند زبان فارسی رشد و پیشرفت کند و جامعه ایرانی آگاهی بیشتری درباره زبان خود داشته باشد .

هویت زبان فارسی به تعداد لغت های خارجی الاصل آن بستگی ندارد . هویت این زبان و ویژگی و زیبایی اش ، بیشتر در این مسئله معلوم می شود که ایرانی ها چگونه و چه خلاقانه عشق و محبت و نگرانی خود را به زبان بسیار زیبا و بی نظیرشان نشان می دهند .



۳. واژه های خیلی موفق: بیمه ، نخست وزیر (رئیس الوزراء) ، زیردریایی (تحت البحری) ، کالا (مال التجاره ، متاع) .

باید توجه داشت که:

۱. عامل «موفقیت» با «به کار رفتن در فارسی امروز» یکی نیست ، مثلاً تماشاخانه (یکی از واژه های کاملاً ناموفق) امروز وجود دارد و می توان آن را به کار برد ، ولی قبل از سال ۱۳۱۴ هم به کار می رفت و نمی توانست آن طور که فرهنگستان مایل بود ، کلمه فرانسوی «تئاتر» را کنار بگذارد و جایش را بگیرد .

لغت «موفقیت» را فقط وقتی می شود به کار برد که رواج یک کلمه وسیع تر شده باشد .

۲. موفقیت کلمه پیشنهادی فرهنگستان مسئله سیاه یا سفید نیست .